

• متن سخنرانی مراسم هفتگی مورخ: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

• موضوع: نگاهی به سوره یاسین

تقدیم به پیشگاه مطهر و نورانی امام زمان صلوات الله صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم یاد کنیم از همه شهدا شهدای از صدر اسلام شهدای انقلاب اسلامی شهدای دفاع مقدس شهدای مدافعین حرم شهدای راه قدس شهدای امر به معروف و نهی از منکر شهدای امنیت شهدای غیرت شهدای سلامت شهدای خدمت جمیع شهدا و امام شهدا و همه ذوی الحقوقین خصوصاً اولین شهیده راه ولایت حضرت زهرا مرضیه سلام الله علیها صلوات مهدی پسند بفرستید اللهم صلی علی محمد و آل محمد

ما معمولاً برای هر کاری به کارشناسی باید مراجعه بکنیم. یعنی ما لباسمون رو از کسی می‌خریم که کارشناس خیاطیه ماشینمون رو دست مکانیک میدیم هرچند اطلاعات فنی ما نسبت به ماشین ما زیاد باشه باز می‌بریم تعمیرگاه و برای اینکه مطمئن باشیم میدیم یه کسی که متخصص این کار را انجام بده تو همه چی هم نظر میدیم ولی کار رو همیشه به متخصص میسپاریم برای پیشرفت جسمی خودمون معمولاً به یه باشگاهی مربی چیزی مراجعه می‌کنیم یه کسی که علمی داشته باشه توی رشته ورزشی یا مثلاً توی موضوع بدنسازی یا آمادگی جسمانی بلد باشه که بدن ما رو با یه دستوراتی پرورش بده وقتی هم بیمار می‌شیم حتماً به دکتر مراجعه می‌کنیم هرچند که بلدیم و احساس می‌کنیم شاید نسخه‌ها تکراریه، اما عقل معمولاً حکم میکنه که مثلاً به پزشک مراجعه بکنیم خب این قاعده کلیه برای هر چیزی انسان به یک کارشناسی حتماً مراجعه می‌کنه. خب حالا برای روحمون که اصل وجود ماست چی؟ ما بزرگ میشیم به میانسالی و پیری می‌رسیم؛ ولی روح ما اینه که میگیم من اینگونه‌ام، من اون گونه‌ام، این منم من همینجوری مونده و او قرار نیست پیر بشه قراره که متعالی بشه قراره یه ابدیت به سمت لقاءالله یه سیری داشته باشه خب برای این روح پیش چه کسی باید بریم؟ خودمونو به چه کسی باید عرضه بکنیم؟ خب این عرضه کردن انسان به یک کارشناس معلومه که اینجا از همه چی مهم‌تره به هر حال آدم نمی‌تونه که انقدر به تیپ و قیافش اهمیت بده، کفششو از یه کارشناس، شلوارشو از یه کارشناس، پیراهنش رو از یه کارشناس بگیره، برای تناسب اندامش به یک کارشناس مراجعه بکنه، برای بیماریش به کارشناس دیگه مراجعه بکنه، خودرو شو ببره پیش یه کسی دیگه،،، ولی به روحش که میرسه همینجوری یا رهاست یا میگه خودم بلدم، میگه به نظر من باید اینگونه باشه، به نظر من باید اونجوری باشه،،،. این روح که مهم‌تر از همه است و پیچیدگی هاش هم بیشتر از همه مثال‌هاییه که زدیم، چون جنسش جنس مادی نیست، جنسش چیزی نیست که در دسترس ما باشه و ما بفهمیم، ما نمیدونیم که با یک گناهی که انجام میدیم چه ضربه‌ای به خودمون می‌زنیم؟ نمی‌دونیم با یه هیئت رفتن چقدر بالا میریم؟ قانون خداوند هم اینه که شما نباید متوجه بشید. خوب پس چه کار باید کرد؟ حتماً باید به کارشناس رجوع کرد. کارشناس کیه؟ عالم ربانی. عالم ربانی با عالم منبری فرق میکنه ها،، یه منبری میاد رو منبر می‌شیند نسبت به تشخیص خودش مثلاً یه نسخه‌ای می‌پیچه برای همه،، یه چند تا آیه قرآن می‌خونه و حدیث و... عالم ربانی متفاوت، اسمش روشه دیگه، تربیت کننده است، مربیه، اون عالم ربانی قراره که راهبری بکنه،

قراره که فقط نسخه نیچه، قراره که دست انسان رو بگیره بیره به مقصد برسونه، تو پرانتز بگم یکی از استدلال‌های ساده‌ای هم که در مورد ساده و بسیار روشن در مورد ولایت فقیه هست، همین چند تا جمله‌ای که تا الان گفتیم کفایت میکنه، به هر حال ما باید موضوعاتمون رو دست کسی بسپاریم که او بلد باشه؛ کارشناس، فقیه دیگه؛ نمیشه که تو همه ی چیزهای مادی و ساده‌ای که خود من میتونم ازش سر در بیارم به سادگی من به کارشناس رجوع می‌کنم، بعد در مورد یه موضوع مهمی که بحث ابدیت من در پیشه، موضوع بهشت و جهنم، موضوع عاقبت بخیری و عاقبت به شریه، بگم نه من خودم بلدم، خودم انجام میدم، اونجا باید به یک کسی، به یه خبره‌ای مراجعه بشه که بسیار بسیار دین رو خوب فهمیده باشه. دین هم پیچیدگی‌هایی داره که معمولاً اگر کسی یه بخشی رو بفهمه، یه بخشی رو نفهمه، از دلش انحراف در میاد، در طول تاریخ هم مثال‌هاش زیاده، این پرانتز بسته شد. گفتیم ما برای جسممون به مربی ورزشی به پزشک به این‌ها مراجعه می‌کنیم، برای روحمون حتماً باید به عالم ربانی مراجعه بکنیم، متخصص، کارشناس، عالم ربانی تفاوتش با بقیه مثال‌هایی است که زدیم اونجاها دکتر به شما نسخه میده و شما خودت میدونی که عمل بکنی یا نکنی، یه منبری میاد یه نسخه می‌پیچه میره، حالا یه منبری بیشتر بلده نسخه بهتر می‌پیچه، بیش تر ریشه یابی کرده، اشتراک گیری کرده، از بیماری‌هایی که در جامعه وجود داره مثلاً به مطلب مهم‌تری پرداخته، بیشتر میزنه تو هدف، بعضی وقتها هم نه، یه حرف پرتی می‌زنه، این منبری گاهی یه نسخه‌ای میده شاید زیاد به درد این جمع نخوره، یه منبری اگر بتونه مثلاً ۶۰ و ۷۰ درصد یه چیزی بگه که به درد جمع بخوره، یه چیزی باشه که درد مشترک جمع باشه، خب اون منبری میشه منبری موفق، اقبال بهش میشه و ... ولی عالم ربانی متفاوت به عالم ربانی قراره دست بگیره و راهبری کنه، دستگیری کردن و راهبری کردن فقط نسخه نوشتن نیست. حضرت امام تو این کتاب شرح جنود عقل و جهل "یه نکته جالبی رو می‌فرمایند، خیلی ناب، یعنی فکر می‌کنم همچین حرفی رو فکر نمی‌کنم که استاد اخلاقی عالمی جایی زده باشه، این حرف فقط مال امامه، حداقل ما ندیدیم، ما خیلی مطالعه نداریم ولی به اندازه ای که خونديم ندیدیم، این حرف جنسش اصلاً مربوط به حضرت امامه، ایشون میگه کتاب اخلاقی اون کتابی نیست که نسخه میده، میگه اگه شما کتاب اخلاقی نوشتی که خود کتاب باید راهبری کنه، یعنی وقتی شما کتاب رو می‌خونی راه بیره تورو، نه اینکه فقط نسخه بده، بگه این کارو باید بکنی، مثلاً این فضیلت اخلاقی است، این رذیله اخلاقیست، برای رسیدن به این فضیلت سه تا راهکار بهت میدم، مثلاً برای ترک فلان رذیله چهار تا راهکار گفتن، اینا رو میگم نسخه است، خودت برو میتونی عمل کن، ایشون میگه نه، وقتی کتاب رو می‌خونی باید تربیت بشی خود به خود، خیلی عجیبه، میگه خود کتاب اخلاقی که می‌خونی باید معالجه بکنه، نه اینکه فقط راه نشون بده، حرف حرف خیلی گرانیه، خیلی قیمتی، کتابای خود امام این شکلیه، یعنی شما وقتی جنود عقل و جهل رو می‌خونی، آدم اصلاً نمی‌فهمه، ولی می‌خونه، بعد اینکه می‌خونی حال خوبی داری، "سر الصلاة" و "آداب الصلاة" امام رو وقتی انسان می‌خونه یه بخش‌هایی رو شاید متوجه هم نشه (یه جمله رو ۱۰ بار باید بیای از اول بخونی هی بری تا آخر بری از اول که متوجه بشی چی گفته) حتی اگه متوجه نشی هم حال خود این کتاب آدم رو راه میبره. خلاصه امام می‌فرماید که خود کتاب باید معالجه باشه نه اینکه نسخه بده بگه برو انجام بده، طبیب روحانی هم باید خود کلامش دوا باشه، نه اینکه فقط نسخه بده، منبری نسخه میده ولی عالم

ربانی فرق میکنه، _چرا میگن آقا بریم استاد اخلاق ببینیم؟ خیلی وقتاً مثلاً شما یه آدم نفس داری پیدا می‌کنی، بعد میری میشینی پای صحبتش، میبینی حاج آقای مسجد ما که بهتر از ایشون حرف میزنه ، موضوع اینه که او یه منبر رفته ، یه فوت و فنی هم یاد گرفته ، یه موضوعاتی رو میاد میگه ، شما میگي چه جالب، ولی اون استاد اخلاق یا آدم نفس‌داری که بهش میگن عالم ربانی، اصلاً قرار نیست که (فقط) به شما مطلبی یاد بده، قراره شما بری بشینی از حدیث و آیه‌ای که او میگه استفاده کنی، ولی دیدن چهره اون آدم، خود نشستن در محضر او راهبری میکنه،، اینا رو جدی بگیریم ، چون ما سطحی می‌بینیم خیلی وقتها میگیم بابا این منبریه هم هست دیگه ، حالا تو محلمون یه منبری هست خیلی خوب صحبت میکنه، البته اون منبری هم به قدر توفیقش به قدر صفای باطنش به هر حال یه اثری داره ، اما اون آدمه (عالم ربانی) نمیشه، _خب چه باید کرد؟ تربیت روح ،، بعد از خلقت و بعد از آفرینش هیچ کاری مهم‌تر از تربیت ، تو این عالم نیست هیچ چیز دیگری _خب اگه به ما بگن که آقا حالا که اینجوری شد یه کتاب اخلاقی به ما معرفی کن که بریم مطالعه بکنیم؟ بنده عرض می‌کنم که یه کتاب اخلاقی است که از همه کتب مهم‌تره؛ اگه بهش مراجعه بکنیم فوق العاده است، همه این ویژگی‌ها توش باشه میگم کتاب "قرآن کریم". همونو بخونیم بسه، _نهج البلاغه هم این ویژگی رو داره،، اونجاهایی که مربوط به احادیث اهل بیته کلاً این شکلیه دیگه چون نهج البلاغه همه امیرالمومنین نیست،، به هر حال یه عالمی یه بخشی از فرمایشات حضرت رو جمع آوری کرده ،، ولی کلاً هر کتاب احادیثی که مربوط به اهل بیته این ویژگی رو داره، _صحیفه سجادیه که خودش بالاخره یه کتاب حدیث مهمیه دیگه، _کتبی که احادیث اهل بیت هست هم توی سطح دیگری اثر قرآن رو داره ، چون امام صادق علیه السلام فرمود یا فضیل إن حدیثنا یُحیی القلوب ، اصلاً کار نداره که شما چقدر بهش عمل می‌کنی، همین که میخونی همین که می‌شنوی دل رو زنده می‌کنه،، _چرا قبل از روزه ما همیشه میشینیم یه موعظه گوش میدیم؟ به خاطر اینکه از آیات و روایات استفاده میشه ، سیره اهل بیت گفته میشه، مفاهیم قرآنی گفته میشه، این خودش صیقل میده قلب‌ها رو ، این خودش زنده میکنه آدم‌ها رو ، اگه ب بسم الله اگه بشینی بگی السلام علیک یا ابا عبدالله ممکنه اون اثری که شما تو روزه می‌بینی بعد از گوش دادن مثلاً یه موعظه ای که توش آیات و روایات خوانده می‌شه اون اثر رو نداشته باشه،، _خب قرآن مهمترین کتاب اخلاقی است که اون ویژگی که امام می‌فرماید توش هست؛ یعنی شما اگه هیچی هم نفهمی بخونی اثر داره؛ _داری وضو میگیری میگه یه (سوره) انا انزلناه بخون گناهاات بخشیده شد ، خب ما هنوز نرفتیم نماز بخونیم میگه تو همون وضو بخشیدنت، در حال وضو گرفتن یه سوره قدر خوندیم مثلاً. _همین‌جوری قل هو الله خوندن، _همین‌جوری یه سوره مثلاً ملک خوندن، _همین‌جوری یه سوره نبا خوندن، اینها خاصیت‌های مختلفی داره که دیدیم، یعنی شما حتی اگه متوجه نشی چی داری می‌خونی، عربیشو بخونی، شروع می‌کنه زنگارها رو شستن،، حالا اگه با آداب باشه، با طهارت ، با قرائت، رو به قبله، در زمان و مکان مناسب باشه که چه بهتر، اثرش بیشتره، اگه با فهم باشه که غوغا میکنه، آدم متوجه هم بشه که چی داره میگه، اگه به قصد عمل هم باشه که دیگه واویلا، این (آدم) خودش هم می‌تونه دستگیری بکنه، پس یه بخشیش تو تلاوت خالیه، یه بخش مهمش هم توی تدبر و تفکر ، یعنی قرآن میگه چقدر عمل کردی بازم هنوز مهم نیست، یعنی شما همین که میشینی یه آیه‌ای رو روش فکر می‌کنی، به چه نتیجه‌ای می‌رسی هم خیلی مهم نیست همین که انس

می‌گیری با یه آیه‌ای و روش فکر می‌کنی همین انسان رو بالا میبره، - از کجا می‌گی؟ افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها^{۱۰} [سوره محمد ۲۴] قرآن میگه یا تدبر در قرآن می‌کنی یا به قلبت قفل زده شده!! - گفتن سوره یاسین را اگر برای بیماری که در شرف وفاته اگر خونده بشه به تعداد حروف این سوره که نمیدونم چند تاست به عدد هر یه دونه حرفش ده تا ملائکه الهی میان کنار این شخصی که داره در حالت احضاره حاضر میشن، بعد شروع می‌کنند براش استغفار کردن... - و اینها شاهد قبض روحش هستند - بعد تو تشییع شرکت میکنی، - تو دفنش هستند، - دعا و استغفار می‌کنند،، یادمون باشه اگر یه کسی در حال احضار بود گفتن آقا مریض جواب کرده است بالا سرش تند تند یاسین بخونید اینا اثر خودش رو داره،، - آقا فلانی خیلی گناهکاره،، باشه،، حالا به هر حال میتونه تخفیفی براش بگیره - هر چقدر این باطن انسان با این سوره هماهنگی بیشتری داشته باشه بهتر جواب میده بله شما سوئیچ بنز رو به فرغون بزنی روشن نمی‌کنه دیگه، یه کسی داغونه داغونه بعد میگن مثلاً این دعا رو بخون، نه، ما با دعا و ذکر و تلاوت قرآن باید یه تناسبی داشته باشیم که اون اثر اصلی رو بذاره، ولی به هر حال روح ما به یه شکلیه که این‌ها می‌تونه کمکش بکنه، - سوره یاسین شفاعت کننده است قیامت شفاعت می‌کنه - به سوره یاسین قاضی میگن یعنی برآورده کننده حاجات - پاداش ۲۰ برابر از حج رو داره حج واجب کسی میره برمی‌گرده، این همه هزینه و زحمت و اینها یا یه سوره یاسین بخون، ۲۰ برابر اون حاجی شما اجر می‌بری، - به امیرالمومنین علیه السلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند که سوره یاسین ده تا اثر داره، یک اگه طرف گرسنه باشه سیر میشه، یعنی غذا گیرش میاد - تشنه باشه سیراب میشه - اگر عریان باشه پوشانیده میشه - اگر عزب باشه ازدواج می‌کنه قابل توجه مجردا من - اگه ترسان باشه یعنی خوفی به دلش افتاده باشه - امنیت پیدا می‌کنه دلش قرص میشه - اگر مریض باشه شفا پیدا می‌کنه - اگر زندانی باشه نجات پیدا می‌کنه - اگر مسافر باشه در سفر بهش کمک میشه - اگر پیش یک میتی خونده بشه خدا براش آسون میگیره - اگر گمشده انسان داشته باشه سوره یاسین بخونه گم شده اش پیدا میشه و ... همه مقدمات رو گفتیم یه خورده از ابتدای سوره یاسین رو بخونیم، و قتمونم گذشت - بسم الله الرحمن الرحیم یس که نام پیامبره ظاهراً والقرآن الحکیم (در مورد حروف مقطعه قبلاً چند جلسه‌ای یادمه که زیاد صحبت کردیم دیگه تکرار نمی‌کنم) - والقرآن الحکیم قسم به قرآنی که حکیمه، نه تنها حکیمانه حرف میزنه، بلکه محکم حکم می‌کنه. شما می‌تونید بهش تکیه بکنی، تکیه‌گاه، آقا مثلاً ما استادی داشتیم تو حوزه، خدا رحمت بکنه مرحوم آیت‌الله شیخ عباس صبایی رو که شهید هم شد، ایشون تا قبل از اینکه ایشون به رحمت خدا بره یا به شهادت برسه واقعا ما تو دوران طلبگی همه چیزمون رو با ایشون هماهنگ می‌کردیم هرچی میشد زنگ می‌زدیم، احکام بود زنگ می‌زدیم جواب می‌داد می‌دونستیم که دیگه حله، مثل الان نبود که زنگ می‌زدیم دفاتر مراجع هرکی یه چیزی میگه آدم بدتر گیج میشه، می‌گفتیم خدا را شکر حاج آقا گفت فلان، تمام برای ازدواج می‌رفتی پیشش مشورت بکنیم گفتیم آقا یه همچین چیزیه ایشون می‌گفت آقا فلان کار فلان کارو بکن، اگر اینجوری شد اقدام کن، اگر نشد نه، دیگه تو می‌دونستی تمام این حرف حرف درستی تو موضوعات اخلاقی، عرفانی، خانوادگی، تربیتی، هرچی بود میرفتیم پیش ایشون که از دنیا رفت دیگه پیدا نکردیم مثل ایشون بودن که کسانی که تو هر کدوم تو یه موضوعی مثلاً قوی بودن ولی یه کسی که واقعاً دلت قرص باشه این به خاطر رابطه حبی ما هم نبود یعنی چون ما دوسش داشتیم به

خاطر این، نه، اتفاقاً خیلی هم ایشون جدی بود اصلاً رو نمی‌داد، ولی بالاخره معلوم بود که مایه داره، بارها امتحانش رو پس داده بود میگه قرآن این شکلیه توی دوره‌ای که شما می‌خوای به تصمیم بگیری برای تصمیمات، سلبریتی‌ها به شما جهت میدن، آدم معروف، هرکی هرچی میگه بیشتر به حیرانی ما اضافه میشه، بعضیا ماهواره‌ای، بعضیا صداوسیما، هیچ کدوم هم قبول ندارن اخبارو، بعضیا رفیقاشون، بعضیا حاج آقای مسجدشون، بعضیا به سلايقشون، بعضیا زنشون خط مشی میدن بهشون، بعضیا فامیلاشون، بعضیا مثلاً استاد دانشگاه، هر کی بالاخره به چیزی میگه، انقدرم حرفا قاطی پاتیه آدم نمیتونه تشخیص بده ... اینجا به ما گفتن که پناه ببرید به قرآن،، توی فتنه‌ها فتنه یعنی جایی که فضا غبار آلود می‌شه، حدیث میگه: پناه ببرید به قرآن. چرا؟ والقرآن الحکیم حرفش محکمه اونی که میگه همونه، درسته، دیگه خیالت راحت که دنبال چیز دیگه‌ای نباید بری اونی که اون میگه درسته؛ وقت من گذشت خیلی حرف دارم اینجا بزنم باشه، چون وارد هم بشیم توی این موضوع احتمالاً بحث ابتر می‌مونه، اگر شد برای هفته‌های دیگه به خرده این موضوع رو ادامه خواهیم داد، آقا ما خیلی کتاب‌های مختلفی می‌خونیم، ما خیلی درس زیاد خونديم، ما مدرک تحصیلیمون فلانه، میگه آقا قلبت قفله، تا نری سراغ قرآن قلب رو قفل می‌زنن، یه وقتی آدم جوون‌تره همین چند تا آیه قرآنی که تو نماز می‌خونی اثر می‌ذاره، همین حمد و سوره، خب مهمترین آیات قرآنه،، همین قفل دل رو باز می‌کنه، بعد که آدم کم کم پا به سن می‌ذاره سنگین‌تر می‌شه حتماً باید کمکی داشته باشه، مثل غذا کمکی‌هایی که مثلاً به بچه شیرخواره‌ها میدن، بخوای قوت بگیری دلت زنگار نگیره باید مراجعه کنی (به قرآن) - یه وقتی همون حمد و سوره‌ای که می‌خونه تو این سن و سال کفایت می‌کنه، پیشرفت نمی‌کنه و متعالی نمیشه ولی همین مقدار نگهش می‌داره تو خط، ولی اگر یه خورده انسان بالا اومد دیگه باید انس بگیره با قرآن حتماً، و متأسفانه ما روز به روز شل میشیم، بعد فکر می‌کنیم خدا داره ما رو پس می‌زنه بعد هی کم کم ناامید میشیم، بعد همون نمازه هم دیگه یکی اول وقت، یکی آخر وقت و بی حال، و بعد کم کم همه چیز از دست میره اگه آدم روزانه ۵ دقیقه ۱۰ دقیقه، یه چند دقیقه، یه خرده به قرآن بپردازه [بشرطی که هر روز باشه] انسان رو بلند می‌کنه، منتها ما هر وقت بیکار میشیم به گوشیمون نگاه می‌کنیم به جای قرآن مثلاً یکی از سوره‌هایی که از بهترین سوره‌های قرآنه، که هم برای تلاوت انسان رو خیلی راه می‌ندازه، هم تفکر و تدبیر در اون مضامین عالی داره و هم اگر کسی بخواد عمل بکنه که فوق العاده است، سوره یاسین هست،، سوره قل هو الله رو میگن اگر سه بار بخونی ثوابش چیه؟ یه ختم قرآن، یعنی هر یه سوره توحید یک سوم قرآنه، سه تا سوره قل هو الله رو که بخونیم میگن یه ختم قرآن کرده،، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی سوره یاسین رو تلاوت بکنه (فقط تلاوت خالی، نگفتن و فکر کنید تدبیر کنی و ...) فقط قرائت بکنه، ثواب ۱۲ دور ختم قرآن رو داره،، اونجا میگه سه تا قل هو الله بخون یه ختم قرآن، اینجا میگه یه یاسین بخون مثل ۱۲ بار ختم قرآنه - و قطعی خدا می‌بخشه؛ بعضی از سوره‌ها مثل سوره یاسین رو می‌گن مثل قرص‌هایی که دکترا میدن یعنی هر ۱۲ ساعت هر ۸ ساعت باید یه دونه بندازی بالا.. اینجوری نیست که بگی آقا من روزی یه بار خوندم دیگه، - میگه اگه شب بخونی این فضیلتو داره، - اگه روز بخونی این فضیلتو داره، - تو حرم امام رضا بخونی یه جور دیگه است، - بعد نماز بخونی یه جور دیگه است، مثل زیارت عاشورا؛ اونایی که روزی یه بار زیارت عاشورا می‌خونن روز قیامت حسرت

میخورن، مرحوم علامه قاضی رو که زیارت کردن تو عالم رویا خب آقای قاضیه دیگه صاحب این همه کرامت و این همه شاگرد و این همه کوه توحیدی که امام می‌فرمود و اینها .. به آقای قاضی گفته بودن که شما اینجا کم و کسری هم داری خب جاش خیلی خوب بود ایشون گفته بود بله یه حسرتی دارم حسرتی اینه که چرا روزی یه بار زیارت عاشورا خوندم (زیارت عاشورای آقای قاضی با ما فرق می‌کرده ها،،، احتمال داره صد لعن و صد سلام می‌خونده،،) س- بعضی از چیزا هست می‌گه آقا تا بیکار شدی سریع برو سراغش مثل زیارت عاشورا، مثل سوره یاسین - قرآن به قدری مهم بود که امیرالمومنین علیه السلام با محاسن غرق به خون در لیالی قدر، وقتی داشت نصیحت میکرد و قسم میداد، وصیت میکرد فرزندانسون رو که به مردم برسونن، از همسایه‌ها گفت، از یتیم‌ها گفت، سفارش کرد بعد آقا فرمود الله الله فی القرآن، خدا را خدا را، یعنی تو رو خدا تو رو خدا قرآن قرآن،، نره گوشه خونه‌ها خاک بخوره، بیارید تو متن زندگیتون، مبادا دیگران بهش عمل بکنند و شما دستتون خالی باشه از عمل به قرآن، قسم می‌داد امیرالمؤمنین الله الله،، شاید به زبان روضه خوانی نگاهش به سیدالشهدا افتاد و شاید آقا با نگاهش می‌فرمود بابا چشم، من به قرآن عمل می‌کنم، هیچ وقت از قرآن دیگه جدا نشد ابی عبدالله، هیچ وقت بچه‌های حسین از قرآن جدا نشدند، حتی یه وقتی دیگه سر رو نیزه بود هی نگاه می‌کردم می‌دیدن لبای پاره ابی عبدالله در قرآن تلاوت میکنه